

برای یک مشت نفت!

(در رابطه سلاخی انسان در لیبی)

صبا راهی

در لیبی انسان را سر میبرند! درست مثل گوسفند! نه از گوسفند هم بدتر! برای یک مشت نفت! اگر قلب و اعصاب دیدن دریدن گلوی یک انسان و بعد خرت خرت سرش را از تنش بریدن دارید به لینک زیر بروید و یکی یکی فیلمها را ببینید؟

http://www.federaljack.com/?page_id=37933

برای یک مشت نفت! در لیبی کودکان را قصابی میکنند! در لیبی میله فلزی را از آلت تناسلی پسر بچه را به طرف بازوی او فرو میکنند! اگر قلب و اعصاب دیدن چنین صحنه های فجیعی را دارید به لینک زیر بروید.

http://www.federaljack.com/?page_id=37933

در لیبی به اسم "دموکراسی حقوق بشر"، انسان را سلاخی میکنند، اگر قلب و اعصاب دیدن سلاخی انسان را دارید به لینک زیر بروید و ناظر مرگ بشریت باشید!

http://www.federaljack.com/?page_id=37933

اما اینها چه کسانی هستند که گریه وار به جان انسانها افتاده اند؟ (1) گفته میشود که نیروهای القاعده، همان سازمان تروریستی که توسط سی آی ای آمریکا تعلیم دید، دست در دست نیروهای سرکوب گر ناتو را با کارگردانی سی آی ای مشغول سلاخی مردم لیبی هستند! و آنچه که در فیلمها و عکسهای زیر مشاهده میکنید کار قصاب های القاعده میباشد که دست پرورده سازمان "سیا" ی امپریالیسم آمریکا میباشد. باز هم بنا به منابعی که لینک آنها در زیر میاید سی آی ای مدت سی سال است که روی این پروژه هایی که اسمش را "انقلابی" و "آزادسازی" مشغول کار کردن میباشد! سی آی ای توسط مزدورانی که به استخدام در میاورد، در وحله اول "ثبات" را در کشورهای لیبی به هم میریزد تا به این وسیله بتواند به اپوزیسیون درست کرده و طرحهای خود را از طریق اپوزیسیون دست ساز خود (به نظر این قلم درست مثل "جنبش سبز میرحسین موسوی" در ایران) و کمکهای نظامی به آن ها پیاده کند!

<http://www.federaljack.com/?p=100500>

اما بینیم چه کسانی در بلندگوها نجوا کردند که در لیبی "انقلاب" براه افتاده است و باید از آن "حمایت" کرد؟ چه کسانی از نیروهای ناتو حمایت کردند که در لیبی به "اپوزیسیون" قذافی کمک میکند؟ چه کسانی تبلیغ کردند که برای کمک به "اپوزیسیون" دیکتاتوری قذافی "و خلاصی از" اسلام سیاسی"، دخالت کشورهای غربی بخودی خود محکوم نیست؟!؟

قبل از آنکه این "برخی" ها به حمایت از "انقلاب لیبی" بلند شوند، صاحبان فکری اینان مانند اوباما سرکوزی و دیوید کامرون و آن ایتالیایی فاسدتر از همه اینها، گفته بودند که "قذافی باید برود" و ما برای پیاده کردن "حقوق بشر جهانی" به نیروهای "اپوزیسیون" در لیبی کمک میکنیم؟ صبرکنید،

همین جا مکت کنیم، کدام اپوزیسیون؟ آخر ما در این دنیا چند نوع اپوزیسیون داریم، اپوزیسیون راست راست راست! مثلا در ایران ما دار و دسته رضا پهلوی جنایتکار و دزد دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران را داریم که مدعی "دموکراسی" است! و دموکراسی این رضا پهلوی چیزی جز همان "دموکراسی" که پدر قاتلش با مخالفین سیاست های استثمارگرانه او که سگ زنجیر امپریالیسم بود رفتار میکرد، تعقیب، دستگیر، شکنجه، تجاوز و اعدام و تیرباران و یا سر به نیست کردن، نیست!

اپوزیسیون بلاتکلیف بین دو صندلی نشین داریم، که هر روز یک دست لباس به تن میکند و یک موضع سیاسی از آستین بیرون میدهد! اینها پشت اسم مارکس و لنین و مائو ماهیت سیاسی خود را پنهان میکنند و برای مردم عادی "ژست های کمونیستی" هم میگیرند!

دسته دیگر کسانی هستند که کارشان از حمایت علنی مواضع امپریالیستها گذشته، و در کنار همان رضا پهلوی دزد دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران مینشینند و پشت اسم "کمونیسم و کارگر" از حقوق بشر اوامایی دفاع میکنند! اینها که لیدرشان خودش را "مارکس زمانه" به اینها قالب کرد، وقتی که کادر حزبشان در آلمان در یک جلسه پرسش و پاسخ در سال 1998 می پرسد "برنامه اقتصادی حزب چیست"، به او میگویند "مگر شما از جمهوری اسلامی سوال کردید که برنامه جزئی تان چیست؟! این دسته هنوز پی نبرده اند که نظرات ضدکارگری رهبرشان منصور حکمت که یک تروتسکیست بود هیچ ربطی به مارکس و لنین نداشت. تنها از اسم مارکس و لنین استفاده میکرد برای اینکه نظرات راست خود را که از بورژوازی فاسد و جنایتکار دفاع میکرد را به خورد ناآگاهان سیاسی - اجتماعی در حزب دست سازش کاغذی اش بدهد!

حال اجازه دهید که نظر یکی از طرفداران منصور حکمت که در اینترنت به اسم کمونیسم نظرات پروامپریالیستی خود را تبلیغ و ترویج میکند، و کماکان همان موضع حکمت در مورد جمله ارتش وحشی امپریالیستها به افغانستان را حفظ میکند، که از طریق ایمیل بدست من رسیده با هم بخوانیم تا بیشتر به ماهیت خوش خدمتی که این طرفداران سیاست های جنایتکارانه امپریالیستها که پشت اسم کارگر و کمونیسم پنهان میشوند پی ببریم. او، مهران محبوبی، در اظهار نظر در مورد یک مقاله بنام چهره اواما که لینک آنرا در اینجا قرار میدهم <http://www.hafteh.de/?p=17990> مینویسد: (تاکید ها از من است)

"لیبی عراق نیست. در عراق انقلاب رخ نداد و لی در لیبی انقلاب در جریان است. آمریکا با فشار افکار عمومی در پی اقدام اولیه فرانسه فقط از حمام خون قذافی در بن غازی جلو گیری کردند. عملکرد آمریکا و اواما در لیبی کاملا با عراق فرق میکند ولی نه اینکه ماهیت آنها فرق کرده ولی برای به کج راه کشاندن و بعنوان یک نیروی ضد انقلابی جلوگیری کردن از انقلاب مجبورا نقش بازی کنند و البته در محدوده ای که افکار عمومی خود کشور هایشان و دنیا اجازه بدهد و این محدوده برای ضد انقلابیون از هر نوع دول غرب یا اسلام سیاسی و تروریست های اسلامی خیلی هم محدود شده است. ما اگر از این فرصت استفاده نکنیم به انقلاب مردم خون های جبران ناپذیر خواهند پاشید. این همسان گرایی عراق لیبی و انقلاب منطقه با اسلام سیاسی جزو یکی از تبلیغاتی ضد انقلابی است که هر دو قطب تروریست اسلامی و دول غرب اگر بتوانند استفاده خواهند کرد."

دسته دیگر که خود را از کسی که خود را "مارکس زمانه" خطاب کرده بود، "مارکس تر تر زمانه" میدانند تروتسکیست هایی هستند که هر لحظه رنگ عوض میکنند و بر بال اپورتونیسیم سوار میشوند تا بلکه در گروهی سازمانی دسته ای محفلی خلاصه هر جایی که یک شکافی در حال شکل گرفتن است نفوذ کنند، آنها را از هم بپاشند، و افکار مسموم ضدمارکسیستی خود را که از *متزلزل ترین فرد، یعنی تروتسکسی ضد مارکسیست معروف الهام میگیرند را ترویج دهند! تروتسکسی که لنین آموزگار دلسوز و راستین پرولتاریا در باره آن میگوید:

"تروتسکی که خوش خدمتی نشان می دهد، از همه خطرناک تر است. تروتسکی هرگز و در هیچ یک از مسائل جدی و مارکسیستی یک عقیده پابرجا نداشته و همیشه در داخل شکاف اختلاف "خزیده است" و گاه به این طرف و گاه به آن طرف نوسان کرده است و در

لحظه کنونی نیز با بوندیست ها (ناسیونالیست های یهود) و گروه "تصفیه طلبان" همراهی می کند. (کلیات لنین به روسی، جلد 20، صفحه 453)

ترونسکی در برابر شعارهای تاکتیکی بلشویکها در باره تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی و شکست دولتی خودی یعنی شعارهایی که عملاً توده ها را به ضرورت سرنگونی سلطنت مطلقه واقف میساخت، شعارهای سانتریستی خود را اعلام داشت، این شعارها عبارت بودند از: " صلح به هر قیمت" (یعنی از آن جمله اتحاد با دولتهای امپریالیستی) و " نه پیروزی نه شکست" (یعنی: حفظ وضعیت موجود و بالنتیجه حفظ سلطه امپریالیسم).

دسته دیگر، " مستقل سیاسی" هستند که آنها هم درست حرفهای اربابان جهانی خمینی را تکرار میکنند: " حقوق بشر، آزادی ...!" و وقتی هم در مورد موضع ضدامپریالیستی آنها سوال میشود، جز پشت چشم نازک کردن، هنر دیگری ندارند! همه اینها در یک خواسته مشترک هستند و آنهم " آزادی" است! اما آزادی کی و چی؟ در اصل آزادی چه طبقه ای؟

همه اینها در یک " آواز گُر" مشترک هستند! اگر به زبان ساده این آواز را بیان کنیم این میشود: مبارزه مسلحانه برعلیه رژیم های وابسته به امپریالیسم آدم کشی است، تروریسم است! اینها از اینکه زالوهای دسترنج کارگران و جنایتکارانی که امروز برا پیاده کردن "حقوق بشر جهانی" در لیبی، عراق و افغانستان مورد مجازاتی که شایسته آنهاست قرار بگیرند قلبهای " نازک" شان بدرد میاید و آنقدر " انسان انسان انسان ... " را در بوق و کرنا میکنند که ساده لوحان هم ممکن است باور کنند که اینها واقعا از انسانیت چیزی سرشان میشود!

در حالیکه همه اینها از "انسانیتی" دفاع میکنند که در لیبی دارد انسان را سلاخی میکند تا نفتش را به غارت ببرد، تا بتواند روی منابع کشورهای همسایه لیبی نیز چنگ بیندازد!

واقعا اسم این " انسانیت" است که بروی روی منابع یک سرزمین چنگ بیندازی، مردم آنجا را با حیوانی ترین شیوه ها قتل عام کنی و بعد از " حقوق بشر" حرف بزنی؟ کدام بشر؟ آخر خود اینها یک مشت گرگ هستند که به جان مردم دیگر کشورها برای غارت منابع شان افتاده اند، اسم اینکار پیاده کردن " دموکراسی" است؟ بله دموکراسی است منتهی دموکراسی بورژوازی جهانی که امروز بیش از پیش درندخویی خود را عریان میکند! درنده خویی که مزدورانش سر کارگر و زحمتکش و محرومان را گوش تاگوش با کارد میوه خوری میبرد تا "حقوق بشر جهانی" را پیاده کند!

چطور وقتی که اپوزیسیون های واقعی با برنامه، با آگاهی سیاسی، با تحلیل مشخص از شرایط مشخص، و با تکیه به نیروی توده های مردم کشور خودشان، و با تکیه با اسلحه هایی که در اسلحه خانه های کشورشان وجود دارد، از طریق مبارزه مسلحانه پایه های دیکتاتوری را به لرزه در میاورند و توده های ستمدیده را به خیابانها میکشانند، و اسلحه را به دست آنها میدهند، اسمشان میشود " تروریست"، میشود " آدم کش" میشود یک " مشت چپ و چوله سنتی"

اما وقتی که امپریالیستها، یعنی صاحبان قدرت یعنی همان گرگها اسلحه به دست اپوزیسیون دست ساز خودش میدهد اسمش میشود " انقلاب"!!!

اما وقتی حیوان رذلی بنام سرکوزی علنا اعلام میکند که اسلحه در اختیار نیروهای اپوزیسیون (بخوان القاعده و سایر دست پرورده های خودشان) برای دفاع از خودشان قرار میدهد اسمش میشود " انقلاب لیبی" برای " رسیدن به رفاه، آزادی و دموکراسی" ... و سایر چرندیاتی که هر سه قسمت حزب دست ساز منصور حکمت در اطلاعیه ها، و حرافی های بی پایان خود تکرار میکنند و دسته های دیگر " آزادی طلب" نیز کم و بیش مثل محافل حکمت تکیه به صاحبان قدرت دارند تا به توده های تحت ستم!

و یا اینکه یک مشت ضدکمونیسیت حرفه ای، هدفمند از حمله نیروهای ناتو به لیبی دفاع میکنند و امروز هم بنا به خصلت سیاسی شان سوار بر بال اپورتونیسیم دیگری میشود و نظرات بورژازی جنایتکار را در " دفاع از فمینسیم" با دست و دلبازی به نمایش میگذارد؟ البته فراموش نشود که اینها تنها وقتی در " صحنه" حضور پیدا میکنند که قرار باشد کمونیسیم را بکوبند و نظرات بورژازی جنایتکار که روز و شب خودش در امپریالیسم رسانه ایش تبلیغ میکند را تکرار کنند!

در مجموع! آنچه که توده های تحت ستم، کارگران زحمتکشان، و محرومان لازم است بدانند، این است که وقتی امپریالیستها شاه را بر ما حاکم میکنند، و بعد وقتی شاه را سرنگون میکنیم تاج شاه را برمیدارند و بر سر سگ دیگرشان عمامه میگذارند، و به ما و سرزمین مان حاکم میکنند، برای منافع توده های تحت ستم، کارگران زحمتکشان، و محرومان نیست. بلکه برای این است که با آوردن نوکران جدیدشان است همانطور که در مصر و عراق و افغانستان شاهد هستیم، و در ایران شاهد بودیم، که ماشین سرکوب نوکران جدید امپریالیستها در ایران از در ادامه ماشین سرکوب نوکر قبلی امپریالیستها به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت دست زد تا به این وسیله سنگی بر سر راه غارتگری، دزدی، و استثمار سرمایه داران جهانی نباشند!

توده های تحت ستم، کارگران زحمتکشان، و محرومان هیچ منافع مشترکی با امپریالیستها ندارند که بخواهند از حملات ارتش وحشی آنها دفاع کنند، بلکه برعکس این توده های ستمدیده، کارگران و زحمتکشان و محرومان هستند که در حملات و جنگهای امپریالیستی و " پیاده کردن حقوق بشر جهانی" در پشت اسم " انقلاب" جزو اولین دسته کشتارهای دسته جمعی قربانی منافع امپریالیستها میشوند!

کسانی که امروز پشت نام " آزادی" و " دموکراسی" و " حقوق دموکراتیک" مشغول فعالیت هستند اگر مشخصاً و شفاف اعلام نکنند که این " آزادی و دموکراسی و حقوق دموکراتیک" را برای چه طبقه این مطالبه میکنند بی شک باید آنها را جزو "پرچمداران آزادی بورژازی جنایتکار و فاسد" قلمداد کرد! که به هیچ وجه نمی توانند برای اکثریت جامعه قابل اعتماد باشند!

کمونیسیت ها که برای رهایی پرولتاریا از بند ستم و ظلم استثمار مبارزه میکنند، بخوبی میدانند که لنین آموزگار دلسوز پرولتاریا به ما میگوید که در جهان یا دیکتاتوری بورژازی میتواند حکومت کند یا دیکتاتوری پرولتاریا! و آزادی هر کدام از این طبقه (بورژازی و پرولتاریا) کاملاً با هم فرق دارد! آزادی و دموکراسی پرولتاریا به هیچ وجه به این معنا نمی تواند باشد که بلندگو را در اختیار مزدوران، جنایتکاران و یا طرفداران آنها قرار داد که باز هم بر مسموم کردن فضا زیر "پرچم آزادی" قرار دهند!

و به همین دلیل نیز هست که پرولتاریا باید نشریات خود را داشته باشد، تا بتواند نظرات و خواسته های خود را در آنها مطرح سازد! و برنامه های مبارزاتی خود را از طریق تبلیغ و نشر نظرات آموزگاران دلسوزش به پیش برد! و هر آنچه را که آموزگاران کبیر و دلسوزش مارکس و لنین بر اساس تئوریهای علمی اقتصادی، سیاسی، به او آموختند و جلوی پای او قرار دادند را برای پیشبرد یک مبارزه قهرآمیز برای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بکار گیرند! بی شک در این مورد از خلاقیت های فکری خود در به ثمر رساندن این ایده های رهایی بخش پرولتاریا نیز استفاده میکنند، همانگونه که تا کنون صورت چنین بوده است!

و هرگز از اینکه عده ای که تمام سلولهای فکری شان به سم اپورتونیسیم و تزلزل سیاسی آلوده است لمپن وار بگویند " خودت از خودت فکر نداری که هر چه کتاب بگوید...درست مثل قرآن و این چیز ها میشه...." و یک " عزیز" مشمئزکننده هم بدنال اراجیف شان اضافه کنند، حتی جا نخورند!

چرا که این اپورتونیستهای مسموم همیشه بین دو صندلی نشسته اند، همیشه هر آنچه را هم که مغز های علیل و متزلزل خودشان هم میگوید را نمیتوانند عمل کنند! بطور مثال همان اپورتونیسیتی که جمله بالا را عنوان میکند خود در یک اتاق "مجازی" تحمل اینرا ندارد که یک خط نوشته ای که نظر مخالف او را بیان میکند بدنال " خط نوشته یا تکست" او قرار بگیرد!

البته اینان بنا به ماهیت اپورتونیستی خود و بنا بر دیدگاه رهبر معنویشان تروتسکسی متزلزل عادت کرده اند که خود را به مارکس و لنین بچسبانند تا نظرات انحرافی و لمپن وار خود را مطرح کنند، همانطور که امروز اینها خود را به نظرات انقلابیون رادیکال می چسبانند و از نظرات آنان در همان اتاق های مجازی استفاده میکنند، و بعد هم اتفاقا خودشان به مانند آخوندها که بالای منبر یک چیز میگویند و در پایین منبر عکس آنی که در بالا منبر گفته اند عمل میکنند، به دیگران میگویند " خودت از خودت فکر نداری...؟! "

اینها نمونه های بارز برخورد و ماهیت متزلزل و منحرف و همان خوش خدمتی ی تروتسکیست های صد سال پیش نیست بلکه همین هفته پیش در اتاق پالتاکی اتحاد سوسیالیستی ها اتفاق می افتاد. همان تروتسکیستی ضدمارکسیستی که لنین، با توجه به آنچه که در بالا در ماهیت یک تروتسکیست به مختصر به آن اشاره شد، به درستی در مورد او میگوید:

"تروتسکی که خوش خدمتی نشان می دهد، از همه خطرناک تر است. تروتسکی هرگز و در هیچ یک از مسائل جدی و مارکسیستی یک عقیده پابرجا نداشته و همیشه در داخل شکاف اختلاف "خزیده است" و گاه به این طرف و گاه به آن طرف نوسان کرده است و در لحظه کنونی نیز با بوندیست ها (ناسیونالیست های یهود) و گروه "تصفیه طلبان" همراهی می کند. (کلیات لنین به روسی، جلد 20، صفحه 453)

در پایان آنچه که امروز در لیبی میگذرد، سلاخی انسانها فجیع تر از گوسفند است، در پس فروش سلاح های امپریالیستها به اپوزیسیون دست ساز که متشکل از مزدوران القاعده و سایر بنیادگران دست پرورده امپریالیستها میباشد، که امپریالیستها توسط خادمین ضدکمونیست، در لباسهای رنگارنگ، به اسم " آزادی، رفاه و دموکراسی.. " آنها تبلیغ و از آن نیز با بی شرمی تمام حمایت میکنند! همان خادمینی که از مجازات اعدامی، که مارکس یکی از آموزگاران دلسوز پرولتاریا به ما میگوید و لنین آموزگار دیگر پرولتاریا بر آن تاکید دارد، که شایسته ترین مجازات برای جنایتکارانی چون میرحسین موسوی و رفسنجانی و سایر جانیان رژیم در ایران است که زندانیان سیاسی دهه شصت را پس از شکنجه و تجاوز قتل عام کردند، قلب " انسان دوست" شان به درد میآید! به راستی میشود اسم این خادمین را " انسان" هم گذاشت؟

برای تعمق بیشتر که اگر قلب و اعصاب دیدن سلاخی انسان را توسط مزدوران سی ای ای دارید به لینک زیر مجدد سر بزنید! و فراموش نکنیم که امپریالیستهای درنده و رژیم های دست نشانده آنها **هرگز و هرگز و هرگز** برای طبقه کارگر و زحمتکش و محرومان " آزادی" به ارمغان نمیآورند! آزادی آنها آزادی برای طبقه غارتگر و چپاولگر و جنایتکاریست که قهرانقلابی را به طبقه استثمارشده بدلیل قهر ضدانقلابی خود تحمیل میکند!

http://www.federaljack.com/?page_id=37933

آری! در لیبی انسان را سر میبرند! درست مثل گوسفند! نه از گوسفند هم بدتر! بخاطر یک مشت نفت!

صبا راهی سوم سپتامبر دوهزار و یازده - یازدهم شهریور 1390

پانوش: استفاده از لینک های خبری به هیچ وجه به معنای تایید دیدگاه های سیاسی آن سایت ها یا نویسندگان مقاله در آن سایت ها نمی باشد!

<http://www.roshangari.net/as/sitedata/20110827195432/20110827195432.html> *